



## عاشورا و فرهنگ عزاداری

ابوخالد

اینترنت، بهمن ۸۶



**چکیده:** مقاله ذیل از ابوخالد در مورد محرم و عزاداری است که در دو محور سخن گفته‌اند. ابتدا در مورد اصل گریه و عزاداری بر میت بحث نموده و آن را مخالف سنت نبوی و شرع قلمداد می‌کند. و در ادامه پیرامون عزاداری بر سیدالشهدا بدعت بودن آن مطالبی را بیان می‌کنند.

عاشورا، دهمین روز ماه محرم است که از قدیم‌الایام در اکثر ادیان آسمانی دارای فضیلت و جایگاه ویژه‌ای بوده است؛ به طوری که یهودیان، این روز را، روز نجات بنی‌اسرائیل از ظلم فرعون دانسته و در این روز، روزه شکر به جای می‌آورند. بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ظهور اسلام، فضیلت این روز همچنان بر حال خود باقی ماند.

در ماه محرم، مخصوصاً در روز عاشورا، گروهی از مسلمانان به مناسبت سالگرد شهادت حضرت حسین علیه السلام، هر سال مراسم سوگواری و مجالس عزاداری برپا می‌کنند و به روضه‌خوانی، نوحه‌سرایی، سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌پردازند. آیا این اعمال واقعاً ثبوت شرعی و دینی دارند؟ و فرهنگ عزاداری به شیوه رایج از چه زمانی شروع شده است؟

اولاً باید دانست که در اسلام چیزی به نام «سالگرد» وجود ندارد. به طوری که اگر زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صحابه و دیگر ائمه دین مورد بررسی قرار گیرد، حتی یک مورد که بیانگر برپایی سالگرد فلان موضوع یا سالگرد وفات یا شهادت فلان شخصیت باشد، یافت

نمی‌شود؛ در حالی که در آن موقع اتفاقات مهمی مانند: ولادت پیامبر ﷺ، بعثت آن حضرت، وفات آن حضرت و... رخ داده بود اما نه پیامبر سالروز ولادت و بعثت خود را جشن گرفتند و نه صحابه کرام، به مناسبت سالگرد وفات رسول خدا ﷺ مراسم عزا و ماتم برپا کردند. به عنوان مثال هنگامی که حضرت حمزه رضی الله عنه به شهادت رسید، آن حضرت رضی الله عنه حدود هفت سال بعد از این واقعه در قید حیات بودند، اما هرگز نامی از سالگرد شهادت حضرت حمزه به میان نیاوردند. همچنین در مورد واقعه کربلا و شهادت امام حسین رضی الله عنه نیز از هیچ کدام از ائمه دین که بعد از امام حسین رضی الله عنه بوده‌اند ثابت نیست که برای شهادت امام حسین رضی الله عنه سالگرد گرفته و مراسم عزاداری و سینه‌زنی برپا کرده باشند.

و اما در مورد تاریخچه آغاز عزاداری محرم، علامه ابن کثیر دمشقی و علامه ذهبی می‌نویسند:

در سال ۳۵۲ هـ معزالدوله بن بابویه شیعی، مردم بغداد را دستور داد تا لباس سیاه پوشیده، بازار را تعطیل کنند و برای شهادت حضرت حسین بن علی ماتم بگیرند. ابن کثیر در ادامه می‌نویسد: لذا بعضی از نویسندگان و مؤرخان، معزالدوله را بنیان‌گذار عزاداری محرم می‌دانند.

در دوران فاطمیان نیز این روز به عنوان روز ماتم تلقی می‌شد. حاکم و دیگر اراکین حکومتی، این روز را در سوگواری و عزا سپری می‌کردند. بازار تعطیل می‌شد و شعرا و مداحان به نوحه‌سرایی و بیان حکایاتی در وصف اهل بیت می‌پرداختند.

بنابراین بعد از تحقیق و تفحص به این نتیجه می‌رسیم که عزاداری و برگزاری مراسم ماتم، هیچ‌گونه ثبوتی از خیرالقرن (قرن صحابه، تابعین و تبع تابعین) ندارد و بدعت محسوب می‌شود. اما با وجود این، بعضی از بزرگان اهل تشیع بدون هیچ دلیلی از قرآن و حدیث، آن را جنبه شرعی داده و اجر و ثواب اخروی را بر آن مترتب می‌کنند.

محمد حسین نائینی که از علمای اهل تشیع می‌باشد، در جواب سوالی که از وی در مورد هیأت‌های عزاداری شده است، می‌گوید: در جواز خروج هیأت‌های عزاداری در دهه محرم، هیچ شبهه‌ای وجود ندارد، بلکه بهترین روش برای تبلیغ دعوت حسینی می‌باشد. بر سر و صورت زدن و بازنجیر بر شانه و پشت خود زدن هیچ اشکالی ندارد.

همچنین، محمدباقر مجلسی رحمته الله در بحار الانوار، بابی تحت عنوان «باب ثواب البكاء علی المصیبه و...» دارد که در این باب روایتی را از ابو عبدالله نقل می‌کند: کل الجزع و البكاء مکروه

سوی الجزع و البكاء علی الحسین؛ هر ناله و گریه‌ای مکروه است، مگر گریه و ناله برای حسین.

لذا اگر با دیده عقل و انصاف نگریسته شود، بر همگان واضح می‌گردد که این افعال هیچ ثبوتی در اسلام و تعالیم نبوی نداشته و شخصیت و الای حضرت حسین علیه السلام از این گونه افعال بیزار است، زیرا اسلامی که جد امام حسین علیه السلام حامل آن بوده و حضرت حسین نیز به خاطر آن قیام کرده و جان خود را قربان نموده است، به هیچ وجه این افعال را جایز نمی‌داند. با وجود این که در کتب اهل تشیع، روایات ساختگی در مورد فضیلت نوحه و نوحه سرایی آمده است، اما در منابع قدیم و جدید آنان، روایاتی نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه منقول است که افعالی مانند نوحه، سینه زنی و از این قبیل، مورد مذمت و نکوهش قرار داده شده است، که ذیلاً به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به «شیخ صدوق» در کتاب «من لایحضره الفقیه ۲۷۱/۴» می‌نویسد: «و من الفاظ الرسول صلی الله علیه و آله: «النیاحة من عمل الجاهلیة» و از فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله است که نوحه سرایی از اعمال دوران جاهلیت است. همچنین محمد باقر مجلسی، این حدیث را با الفاظ «النیاحة عمل الشیطان» نوحه کردن کار شیطان است آورده است. [بحار الانوار ۱۰۳/۸۲]

۲. روایتی از حضرت علی علیه السلام منقول است که می‌فرمایند: ثلاث من اعمال الجاهلیة، لایال الناس فیها حتی تقوم الساعة، الإستسقاء بالنجوم، و الطعن فی الأنساب و النیاحة علی الموتی؛ سه عمل از اعمال جاهلیت می‌باشند که مردم همواره تا روز قیامت به آنها دچارند الف) طلب باران به وسیله ستارگان؛ ب) بدگویی گذشتگان؛ ج) نوحه سرایی بر مردگان.

۳. مهم‌تر از همه این احادیث و روایات این که، خداوند متعال در سوره بقره آیات ۱۵۵- ۱۵۷ می‌فرماید: «وَلْتَبْلُوا نَفْسَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ التَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ \* الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ \* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» و شما را آزمایش می‌کنیم با چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و نقصان در مال و جان و محصولات و بشارت بده صبرکنندگان را. آنانی که اگر مصیبتی به آنها برسد می‌گویند: ما از خدائیم و به سوی او برمی‌گردیم. همین گروه‌اند که بر آنها درود و رحمت از جانب پروردگارشان نازل می‌شود و همین گروه‌اند که هدایت یافته هستند. این آیه به طور صریح، وظیفه مومنان را در مقابل آزمایشات الهی و مصیبت‌ها

مخصوصاً مصیبت از دست دادن عزیزان، بیان می فرماید، واضح است که بی صبری و بر سر و سینه زدن، خلاف راه صابران است؛ لذا در مقابل صبر و تعقل و دعا، جزع و فزع و برپایی مراسم عزاداری و نوحه سرایی می باشد که شریعت اسلام به هیچ یک از این موارد توصیه نکرده است، بلکه بی صبری و ماتم گرفتن را خلاف مسیر انسان های هدایت یافته می داند.

متأسفانه امروزه نگاه های عرفی و عام به حادثه کربلا یک نگاه احساساتی بوده و صرفاً آن را یک واقعه غم انگیز می دانند، در حالی که اگر کمی عمیقانه و عالمانه به واقعه کربلا بنگریم؛ متوجه می شویم که پشت پرده این واقعه اسراری بزرگ و آموزنده نهفته است. حادثه کربلا در کنار همه صحنه های غمناک و خونین خود، مجموعه ای از واقعیات با شکوه و عظیم، در تاریخ اسلام و حتی در تاریخ بشریت را در خود جای داده است. امام حسین علیه السلام در آن صحرای گرم و با تحمل سختی ها، برای نسل های بعد از خود پیام عزت، آزادی و مردانگی را به جای گذاشت و خودش و یارانش مورد اکرام و اعزاز خداوندی قرار گرفته و مدال پرافتخار شهادت در راه خدا، از جانب پروردگار متعال برگردنشان آویخته شد.

اهل سنت ضمن این که واقعه کربلا را واقعه ای غم انگیز در تاریخ اسلام می داند، از آن به عنوان مصیبتی جبران ناپذیر یاد می کند. جنبه ظلم ستیزی و حق طلبی و عدالت خواهی امام حسین علیه السلام را مدنظر قرار داده و به این واقعه به عنوان واقعه ای حماسی می نگرند و در پرتوی قیام ایشان که برگرفته شده از تعالیم زیبای اسلام می باشد، به زندگی خود معنا بخشیده و درس شهامت و آزادمردی را می آموزند. چنان که استاد مرتضی مطهری علیه السلام از علمای روشن فکر اهل تشیع نیز به اهمیت این دیدگاه اشاره کرده و می گوید: آنانی که تنها به صحنه جنایت آمیز عاشورا می نگرند، فقط مرثیه خوان و نوحه سرایند، اما آنانی که به صحنه نورانی و حماسی عاشورا نگاه می کنند در مسیر حق پرستی و انسانی، شور و حماسه می آفرینند.

مفسر و مورخ معروف، علامه ابن کثیر دمشقی می گوید: به جا و شایسته است که مسلمانان برای این فاجعه (کربلا) ناراحت باشند، اما حزن و اندوه که اغلب آمیخته باریا و تظاهر گردد، درست نمی باشد و به همین خاطر برای سایر پیشوایان دینی نیز ماتم گرفته نمی شود. لذا در بزرگداشت شهادت حضرت حسین علیه السلام نیز مناسب است مطابق آنچه علی بن حسین از پدرش روایت می کند عمل نمائیم؛ ایشان از امام حسین روایت می کند که فرمودند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «هیچ مسلمانی نیست که مصیبتی به وی رسیده باشد، هر چند که مربوط به گذشته باشد، و او با گفتن استرجاع (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ) از آن مصیبت

یاد کند مگر این که خداوند همان ثوابی را که به هنگام مصیبت و صبر او به وی عطا کرده است، دوباره به او عنایت می فرماید.

## ● اشاره

مهدی لطفی

۱. در مورد گریه بر میت باید توجه داشت که نه تنها گریه بر میت بدعت به حساب نمی آید، بلکه سنت و سیره نبوی می باشد و در سیره بزرگان اهل سنت هم این سنت جاری بوده است. و پیامبر ﷺ در سوگ افرادی گریسته مانند: الف) مسلم و سنایی و ابن ماجه در مورد پیامبر آورده اند که:

«زارالنبی قبر امه فبکی و ابکی من حوله؛<sup>۱</sup> پیامبر قبر مادرش آمنه را زیارت کرد و گریست و افرادی که همراه پیامبر بودند با او گریه کردند».

ب) بخاری آورده که چون خبر شهادت زید و جعفر بن رواحه را به پیامبر دادند، پیامبر اشک از چشمانش سرازیر شد.<sup>۲</sup>

در المصنف صنعانی آمده پیامبر ﷺ با مشاهده گریه آل جعفر و فاطمه زهرا ﷺ فرمودند: «علی مثل جعفر فلتبک الباکیه؛<sup>۳</sup> یعنی بر مثل جعفر باید گریه کن ها گریه کنند». قابل توجه است که اطلاق فرمایش پیامبر ﷺ تمام افراد و زمان ها را در بر می گیرد و اختصاص به فرد و زمان خاصی نیست. نووی عالم و محدث اهل سنت در این خصوص روایاتی که در مورد نهی از گریه بر میت رسیده می نویسد: همه این روایات به عمر و پسرش عبدالله منتهی می شود که عایشه آن را انکار کرد و نسبتش به پیامبر ﷺ را معلول اشتباه و فراموشی آن دو دانسته است.<sup>۴</sup>

۲. اما راجع به عزاداری و سیاهپوشی بر سیدالشهدا ﷺ باید توجه داشت که:

برخلاف تصور ایشان که بنیانگذار این عزاداری را به عصر آل بویه با فاطمیان می رسانند، با رجوع به تاریخ و حدیث هر انسان آزاداندیشی اذعان خواهد کرد که بنیانگذار عزاداری و گریه بر سیدالشهدا ﷺ شخص خاتم انبیاء ﷺ بوده است و آن حضرت که خود مصدر و منبع شرع می باشد، حدود نیم قرن قبل از شهادت امام حسین ﷺ در مصیبت آن سرور شهیدان روضه خوانده و گریسته اند. خود روش پیامبر اسلام در گریه بر

۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۵، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۱ و...

۲. صحیح بخاری، کتاب فضایل اصحاب النبی، ج ۵، ص ۳۴

۳. المصنف، ج ۳، ص ۵۵۰، الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۴۳

۴. شرح نووی بر مسلم، ج ۶، ص ۲۲۸، همچنین ر.ک: مستند احمل، ج ۲، ص ۱۱۰ و ۲۷۳ و صحیح

البخاری، ج ۱، ص ۱۵۵

سیدالشهدا اسوه و مقتدای تشیع است. به تعبیر دیگر اگر گریه بر امام حسین علیه السلام سال‌ها قبل از شهادتش محبوب حضرت حق و پیامبر خاتم باشد، بدیهی است گریه بعد از شهادت بر وی نیز محبوب و خواست باری تعالی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول زندگی چندین ساله که با امام حسین علیه السلام داشتند، در موارد متعددی که بالغ بر ۲۰ مورد همچون: در روز ولادت در سال اول و در سال دوم تولد، در حضور ملائکه و یا در جمع اصحاب و یا در خانه همسرانش بر سیدالشهدا علیه السلام گریه کرده‌اند<sup>۱</sup> تاریخ هنوز از یاد نبرده آن لحظه‌ای را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تربت کربلا را به دست گرفته بود و می‌گریید، فرمود: «ویح کرب و بلاء»<sup>۲</sup>.

حاکم نیشابوری از ام‌الفضل آورده است... و چون حسین علیه السلام متولد شد، او را بر پارچه‌ای پیچیده به حضور پیامبر برده و در آغوش او نهادم، دیدم اشک از چشمان پیامبر سرازیر شد، پس گفتم: یا رسول الله پدر و مادرم فدایت باد چرا گریه می‌کنی: فرمود: اینک جبرئیل بر من نازل شد و به من خبر داد که این فرزندم را می‌کشند. گفتم: حسین را؟ فرمود آری جبرئیل تربت قتلگاهش را بر من عرضه کرد». حاکم روایت را صحیح به شرط مسلم و بخاری دانسته.<sup>۳</sup>

گویا در گریه بر امام حسین علیه السلام سری است که حتی در آن لحظات اول، تولد امین وحی الاهی به دستور باری تعالی تربت قتلگاهش را بر سرور کائنات هدیه می‌دهد و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به یاد مصائب حسین علیه السلام بر وی گریه می‌کند. بنابراین عزاداری بر سیدالشهدا علیه السلام نه تنها بدعت نیست، بلکه سیره پیامبر است.

۲. اما این که تا عصر آل بویه عزاداری به صورت رسمی و خیابانی نبود و امامان شیعه هیچ‌کدام دسته عزاداری در کوچه و خیابان‌ها برگزار نکردند، این بدان جهت بود که با جو خفقانی که بنی امیه و بنی العباس علیه تشیع و اهل بیت ایجاد کرده بودند، چنین امری میسر نبود؛ آیا با سخت‌گیری‌هایی که حکام اموی و عباسی علیه تشیع خصوصاً سیدالشهدا داشتند (به حدی که قبر مطهر امام حسین را شخم زدند و زائران قبرش را به مجازات‌های سنگین محکوم می‌کردند)<sup>۴</sup> چنین امری ممکن بود؟

۴. اما اخبار شان و نادری که ایشان در منع از عزاداری به آن تمسک جستند، باید توجه داشت این اخبار در برابر روایات صحیح و معتبری که در محبوبیت عزاداری بر امام حسین علیه السلام وارد شده، قدرت تعارض ندارند و اگر هم صحیح باشند با روایاتی که عزاداری را مستحب می‌شمارند تخصیص می‌خورند. لذا علمای شیعه عموماً حتی در گریه بر اموات

۱. برای تفصیل رجوع کنید به کتاب «سیرتنا و سنتنا»، از علامه امینی علیه السلام.

۲. ر.ک: همان، ص ۴۶-۴۷. ۳. المستدرک، ج ۳، ص ۱۷۶.

۴. ر.ک: حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۵۰۴.

توجهی به آن اخبار نکرده‌اند.

محقق بحرانی<sup>۱</sup> در الحدائق بعد از اخبار گریه و عزاداری که بر میت ذکر می‌کند می‌نویسد: ظاهر کلام اکثر اصحاب اعراض از این اخبار و حمل آن بر مواردی است که گریه بر میت مشتمل بر چیزهای حرام باشد. همان‌طور که سیاق حدیث نیز این‌گونه است.<sup>۱</sup>  
۵. مرثیه‌سرایی و گریه نه تنها موجب غفلت از صفحه نورانی عاشورا نیست، بلکه احساسات را به همان سمت و سو سوق می‌دهد.

۶. سخن این‌کثیر که حزن و اندوه باریا و تظاهر آمیخته است، سخن باطلی است. و این موجب منع از عزاداری نمی‌شود؛ چرا که در نماز هم ریا ممکن است. گریه هم منافاتی با صبر ندارد، همان‌گونه که حضرت یعقوب<sup>۲</sup> در عین این‌که صبر داشت، در فراق یوسف می‌گریست.

امام زین‌العابدین<sup>۳</sup> بعد از شهادت پدر پیوسته در مصیبت پدرش تا آخر عمرش گریست و جزء بگائین محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی